

نکاتی درباره بیانیه منتشر شده اخیر موسوم به «بیانیه مترجمان»

موج سواری سیاسی با ژست دغدغه فرهنگی!

تعدادی مترجم ایرانی اخیراً در حمایت از آنچه خود اعتراضات ایران نامیده‌اند، بیانیه‌ای منتشر کرده‌اند و ضمن تکرار جملاتی که اغلب از رسانه‌های بیگانه شنیده می‌شود، اعلام کرده‌اند که قصد دارند سد سانسور را در ایران بشکنند! اما مشخص نیست که منظور آنها از سانسور دقیقاً چیست؟ آیا اینکه هر کشوری قوانین خاص خود را برای چاپ آثار دارد، به معنای سانسور است؟ همچنین مشخص نیست که چند نفر از اشخاصی که نامشان در بیانیه آمده، واقعاً با بیانیه موافق بوده یا حتی در جریان محتوای بیانیه بوده‌اند؛ چنان که پیش از این نیز مسیوق به سابقه بوده است که بیانیه‌هایی از سوی برخی گروه‌ها و اشخاص منتشر شده و زیر آن اسم‌هایی قید گردیده که حتی روح آن اشخاص نیز از ماجرا خبر نداشته و بعداً بیانیه را تکذیب کرده‌اند. یک نمونه واضح آن درگذشته بیانیه موسوم به بیانیه ۸۰۰ نفر (شامل شاعران، نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران، ناشران، تصویرگران، مروجان، مربیان و دیگر فعالان فرهنگی و هنری حوزه ادبیات کتاب کودک و نوجوان) در برخی رسانه‌ها منتشر شد که به نشر دروغ‌ها و اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی و فراجا پرداخته بود و محمدرضا سرشار، نویسنده و پژوهشگر و منتقد ادبی پاسخی مفصل به این بیانیه داد که در همین روزنامه بخش‌هایی از آن منتشر شد. از این جالب‌تر اقدام رسانه‌هایی همچون رادیوفراد و چند رسانه بیگانه دیگر است که



سروش حبیبی



سرور کسمایی



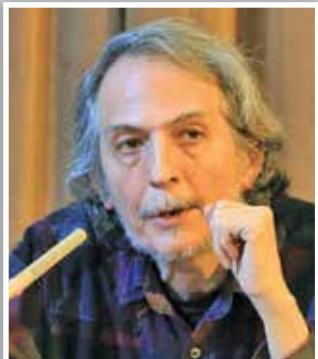
داریوش آشوری



عباس میلانی



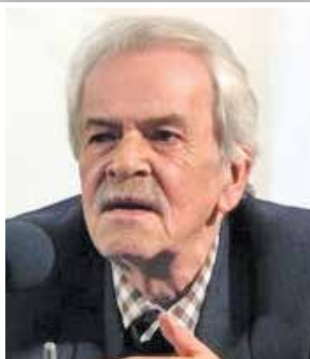
بابک احمدی



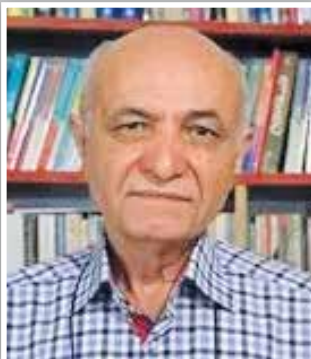
مراد فرهاد پور



لیلی گلستان



عبدالله کوثری



عباس مخفی



خوشیار دهیمی

عکس‌هایی از دستفروشان کتاب در نزدیکی میدان انقلاب تهران را منتشر کرده‌اند و آنها را کتب ممنوعه خوانده‌اند! حال آنکه هر آدم عاقلی می‌تواند این سؤال را بپرسد که اگر این کتاب‌ها ممنوعه هستند، پس چگونه است که در سطحی چنین گسترده به فروش می‌رسند و هیچ کس هم با آنها برخوردی نمی‌کند! برخی کاربرانی هم که خود را مترجم خوانده‌اند، از این فرصت برای تبلیغ خود استفاده کرده و زیر مطالب منتشره در صفحه‌های اجتماعی، عنوان کرده‌اند که نام مرا هم به این بیانیه اضافه کنید و بعد که وارد صفحه آنها می‌شوی می‌بینی که یا هیچ مطلبی ندارند یا اصلاً آنها را می‌توان همه چیز حساب کرد غیر از مترجم! کامنت‌هایی با نام‌های نامشخص یا با نام و نام خانوادگی‌هایی که وقتی در سایت کتابخانه ملی ایران جست‌وجویشان می‌کنیم، می‌بینیم که حتی یک اثر هم ترجمه نکرده‌اند و مشخص نیست که اصلاً با چنین سابقه بی‌سابقه‌ای (!) دقیقاً با چه چیز بیانیه همراه شده‌اند! اما در هر حال اگر از این مسائل بگذریم و بعضی از صحیح بیانیه و اسامی قید شده در آن بگذاریم نکاتی قابل توجه است که در ادامه به اختصار به آن پرداخته می‌شود.



تیب‌شناسی مترجمانی که بیانیه صادر کرده‌اند نیز نکات جالبی را مشخص می‌کند؛ اول اینکه بخش قابل توجهی از نام‌های ذکر شده ذیل بیانیه اصلاً در ایران زندگی نمی‌کنند! برای نمونه سرور کسمایی و داریوش آشوری هر دو در فرانسه زندگی می‌کنند و عباس میلانی نیز ساکن آمریکا است. بخش قابل توجهی از مترجمان، متأثر از جریان‌های چپ هستند و بعضی از آنها همچون بابک احمدی سابقه مبارزه علیه حکومت پهلوی را نیز در کارنامه خود دارند. عباس میلانی در سال ۱۳۵۶ به اتهام عضویت در سازمان‌های کمونیستی، دستگیر شده بود و

مراد فرهادپور هم به‌عنوان روشنفکر جریان چپ نو در ایران شناخته می‌شود. بخش دیگری از این مترجمان در دوره‌های مختلف مدافع جریان‌ها و دولت‌های اصلاح‌طلب در کشور بوده‌اند؛ برای نمونه خشایار دیهیمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به همراه بابک احمدی با انتشار بیانیه‌ای به دفاع از اصلاح‌طلبی در انتخابات پرداخته‌اند. گفتنی است مهدی غبرایی نیز چند سال پیش، رمان‌های «خاکستر و خاک» و «هزارخانه خواب و اختناق» از عزتی رحیمی را که اصل آنها به فارسی نوشته شده بود از روی نسخه انگلیسی، دوباره به فارسی ترجمه کرده بود که جنجال‌های زیادی به پا کرد و اعتراض بسیاری را در عرصه ادبیات برانگیخت. توجه به چنین سوابقی از این جهت اهمیت دارد که اولاً بدانیم خود این مترجمان با حمایت از جریان‌های متبوع سیاسی‌شان، حمایت از دولت‌های متبوع و ترویج فرهنگ‌های غیربومی و آموزه‌های مارکسیستی در بخشی از وضع موجود امروز سهیم بوده‌اند و ثانیاً بدانیم که به چه دلایلی موضع‌گیری امروزشان با سابقه عملکردی که داشته‌اند متناقض محسوب می‌شود.

قید «ز راهی بنوانیم» نیز در نوع خود جالب و عجیب آور است؛ آنها چنان سخن

می‌گویند گویی در جزیره‌ای دور افتاده گیر افتاده‌اند و هیچ امکان ارتباطی برای ارتباط با مخاطبان خود ندارند؛ در حقیقت آنها با استفاده از این عبارت سعی کرده‌اند طوری وانمود کنند که جمهوری اسلامی تمامی راه‌های ارتباطی را بسته و تمام ناشران را هم قلع و قمع کرده است! حال آنکه آنچه این اشخاص ادعا می‌کنند، با اغماض فراوان و در پذیرفته شده‌ترین حالت، تنها ناظر به چاپ کتب از مجاری رسمی و قانونی است؛ در صورتی که فضای شبکه‌های مجازی و اجتماعی در طول این سال‌ها زمینه را برای انتشار هر محتوای دلخواه فراهم کرده است تا جایی که ولنگاری این فضا و جولان مطالب غیرصحیح و جعلی و نیز انتشار غیرقانونی فایل برخی از کتب، داد عده زیادی از جمله برخی از همین اشخاصی که از بیانیه حمایت کرده‌اند را هم درآورده است.

نکته دیگری که درباره این بیانیه مطرح است، آن است که اساساً برای نشر یک کتاب، این ناشران هستند که باید تصمیم بگیرند و مترجمان بر اساس قوانین نمی‌توانند بدون اجازه ناشر اقدام به انتشار کتاب خود از مجاری دیگری بکنند؛ مگر اینکه آن کتاب اصلاً به هیچ ناشری عرضه نشده باشد و تماماً در اختیار مترجمش باشد؛ پس در اینجا دو وضعیت پیش

«ایران» پیامدهای قدرت گرفتن جریان راست افراطی در سرزمین‌های اشغالی را بررسی می‌کند

صهیونیست‌ها به جان هم می‌افتند

بیست و پنجمین دور انتخابات پارلمانی از زمان حیات رژیم صهیونیستی برگزار شد و پیروزی جناح لیکود و راست مذهبی در اسرائیل یکی از مهم‌ترین تحولات چند دهه اخیر رژیم صهیونیستی است. به گونه‌ای که راست افراطی در قالب حزب صهیونیسم دینی به ریاست بتصلاشل اصموطریج و همپیمان با حزب «قدرت یهودی» به ریاست ایتمار بن‌گوریر ۱۴ کرسی به دست آوردند. واقعیت انتخابات یک نوامبر این است که این حزب افراطی موفق شد آرای بیش از حزب وحدت ملی کسب کند که چهره‌های اصلی‌اش دو فرمانده ستاد ارتش اسرائیل (بنی گانتز، وزیر دفاع کنونی و گادی آیزنکات که به مقابله با نیروی قدس قاسم سلیمانی معروف بود) و یکی از وزرای سابق حزب نتانیاو (گیدئون صعر) بودند.

در دو انتخابات سپتامبر ۲۰۱۹ و مارس ۲۰۲۰، دو حزب راست افراطی «قدرت یهودی» و «صهیونیسم مذهبی» موفق به همکاری با هم نشدن و حزب قدرت یهودی هر بار زیر حنصاف قرار گرفت، اما وقتی کار به چهارمین انتخابات پایایی در مارس ۲۰۲۱ کشید این دو حزب با هم ائتلاف کرده و ۲۲۵ هزار رأی به دست آوردند که به کسب ۶ کرسی انجامید؛ رویدادی که در تاریخ تأسیس رژیم صهیونیستی بی‌سابقه بود. آنچه که مشخص است ساکنین سرزمین اشغالی از احزاب راست میانه و افراطی و مذهبی حمایت کردند و دولتی راست متمایل به مذهب روی کار خواهد آمد و این نشان می‌دهد فکر غالب بر اکثر یهودیان اسرائیل، راست مذهبی است. راست‌های مذهبی در اسرائیل از مخالفان شدید فلسطینی‌ها و طرفدار توسعه شهرک‌های یهودی‌نشین و مخالف دو دولت و قرارداد «اسلو» هستند. با وجود گذر شهرک نشینان صهیونیست به سمت راست مذهبی، به نظر می‌رسد که راست مذهبی یکی از



آر



چالش‌های اصلی رژیم صهیونیستی است. این چالش در یک چهارچوب کلی به نام فروپاشی از درون قرار می‌گیرد. در زمان حاضر «بتصلاشل اصموطریج» و «ایتمار بن‌گوریر» رهبران دو حزب اصلی راست افراطی اسرائیل را به عهده دارند، هر دو این شخصیت‌هایی افراط‌گرا و دارای سوابق شرارت و تندروری و عقاید عجیب و غریب هستند، از جمله بتصلاشل اصموطریج در سال ۲۰۰۵ به دلیل سازماندهی یک تظاهرات خشونت‌آمیز در مخالفت با خروج یک‌طرفه اسرائیل از غزه دستگیر و محاکمه شد. در کج‌فهمی اصموطریج همین بس که وی در یک مصاحبه وجود علومی همچون ریاضی و فیزیک را نیز رد می‌کند و آنها را علومی پوچ و بی‌فایده می‌داند. در سمت دیگر این جریان ایتمار بن‌گوریر وجود دارد که خود وکیل است و بارها وظیفه دفاع کورکورانه از نژادپرستان و افراط‌گرایان یهودی را که به دلیل

اقدامات نژادپرستانه و جنایت‌بارشان علیه فلسطینیان به زندان افتاده‌اند، به عهده داشته است.

تا همین ۱۰ سال قبل کسی تصور نمی‌کرد اصموطریج و بن‌گوریر دو فرد ابله با سوابق حبس و زندان در آستانه قرار گرفتن در پست‌های وزارتی قرار بگیرند. اصموطریج در سال ۲۰۲۰ فلسطینیان ساکن مناطق بدوی صحرای نقب را یک «بمب ساعتی» دانسته بود که باید توسط اسرائیل خنثی شوند! بن‌گوریر همچنین معتقد است عرب‌های اسرائیل نباید از حق رای دادن در انتخابات برخوردار باشند و این امر را از «اشتباهات داوید بن‌گوربون»، اولین نخست‌وزیر اسرائیل می‌داند. ویدیوهای زیادی از بن‌گوریر در فضای مجازی وجود دارد که اقدام به فحاشی و درگیری فیزیکی با عرب‌ها و مخالفان خود می‌کند.

روی کار آمدن راست مذهبی در اسرائیل از دو جهت می‌تواند مسأله فروپاشی از درون رژیم صهیونیستی را تقویت کند: ۱- نزاع و درگیری رنگ آمیزی می‌شود، زنان باید از پوشیدن لباس باز، خودداری کنند، احتمالاً پیاده رو اختصاصی داشته باشند و تفکیک شهرك‌نشینان صهیونیست و متعاقباً پاسخ شدید فلسطینیان به جنگ فرهنگی بویژه بین «خریدیم» و جریان اصلی صهیونیسم سکولار جریان دارد. «خریدیم» یا همان خداترسان خصوصاتی دارند که آنها را از دیگر یهودیان متمایز می‌کند. جهان‌بینی آنها شدیداً با اکثریت مردم در تضاد است. آنها فقط تورات و «هالاخ» را به‌عنوان اساس زندگی پیهود می‌پذیرند، منتقد اصول دموکراتیک هستند، به ساختارهای اجتماعی سلسله‌مراتبی که خاخام‌ها در رأس آن قرار دارند متکی بوده، از خدمت سربازی معاف هستند و سیستم آموزشی آنها باید از مداخلات خارجی مصون باقی بماند. در سال ۲۰۱۷، حدود ۷۷ درصد از

راه‌حل دو دولتی سازمان ملل را به هیچ‌وجه نمی‌پذیرد. در حال حاضر در صورتی که راست افراطی بتواند کشور در اسرائیل را به دست بیاورد، فشار علیه فلسطینیان افزایش می‌یابد و شاهد یورش و هجوم شهرک نشینان صهیونیست به مناطق کرانه باختری خواهیم بود. از سویی دیگر بعد از نبرد سیف‌القدس یک وحدت میدانی در غزه و کرانه باختری شکل گرفته است و در کرانه باختری گردان‌های مسلح زیادی تشکیل شده است که عملیات‌های سرزمین‌های اشغالی انجام داده‌اند. عملیات‌هایی که در طول ۲۰ سال اخیر در سرزمین‌های اشغالی بی‌سابقه بوده است. اکنون با وحدت و هماهنگی میدان بین غزه و کرانه باختری، به نظر می‌رسد با افزایش فشار به فلسطینیان عملیات‌های مختلفی چه در قالب استتصادی و چه در قالب درگیری‌های محلی بین شهرک‌نشینان صهیونیست و فلسطینیان آغاز خواهد شد که خود منجر به تضعیف رژیم صهیونیستی در جبهه داخلی خواهد شد؛ امری که می‌تواند در بلندمدت و ترکیب نزع‌احد در سرزمین‌های اشغالی موضوع فروپاشی از درون رژیم صهیونیستی را تقویت کند. بسیاری از کارشناسان صهیونیست اعتقاد دارند که راست افراطی در نزاع با سکولارها و فلسطینیان باعث فروپاشی رژیم صهیونیستی خواهد شد. افزایش گانور، کارشناس امور امنیتی و نظامی در یادداشت روزنامه معاریو در این زمینه می‌گوید: یک دهه اخیر یکی از تاریک‌ترین و دشوارترین دوره‌های تاریخ سیاسی و اجتماعی اسرائیل محسوب می‌شود که در آن بحران رهبری هم در اسرائیل نمایان‌تر از گذشته شد. شکاف و اختلاف صرفاً سیاسی نبوده، بلکه اسرائیل شاهد شکاف و اختلافات شدید اجتماعی هم هست که با ورود به هر یک از پروسه‌های انتخاباتی شدیدتر از گذشته می‌شود.